



موسیقی کلاسیک رومانتیک

مؤلف: هوشنگ کامکار

کامکار، هوشنگ، ۱۳۲۵ -
موسیقی کلاسیک و رمانتیک / مؤلف هوشنگ کامکار. -
تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۸۰.
۳۹۶ ص. پارتیسیون. - (انتشارات دانشگاه هنر: ۳۱)
ISBN 978-964-6218-30-7
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
۱. رمانتیسیم در موسیقی. ۲. موسیقی - نقد و تفسیر.
الف. دانشگاه هنر. ب. عنوان.
۷۸۰/۹۰۳۴ ML۱۹۶/۵۲م۸
کتابخانه ملی ایران
محل نگهداری:
۸۰-۱۴۶۲۹ م

عنوان: موسیقی کلاسیک و رمانتیک

مؤلف: هوشنگ کامکار

ویراستار: غلام محمد قره‌چمنی

ناشر: دانشگاه هنر

نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۱

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی: مانده

بهاء:

طراح

شابک ۷-۳۰-۶۲۱۸-۹۶۴-۹۷۸

کلیه حقوق برای دانشگاه هنر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان سرهنگ سخایی، بین تقاطع

سی‌تیر و فردوسی، شماره ۵۸، دانشگاه هنر، تلفن: ۶۶۷۲۵۶۸۲

شورای تخصصی انتشارات

دکتر کامران افشار مهاجر، دکتر ناصر برک پور، دکتر احمد تندی، دکتر محمدرضا حسینی، دکتر شهاب‌الدین عادل، دکتر محمدرضا آزاده‌فر

کمیته انتشارات

محمد حسن اثباتی (مدیر انتشارات)، فرهاد معماری (مدیر اجرایی)، محمد علی شافعی (مدیر تولید)، فریبا حیدری (امور اداری)

فهرست مطالب

۷	فصل اول
۷	موسیقی دوره کلاسیک (۱۸۰۰-۱۷۰۰)
۱۲	نشانه‌های سبک موسیقی کلاسیک
۱۳	ریتم، میزان و تمپو در موسیقی کلاسیک
۱۵	هارمونی و تنالیت
۱۷	موتیف، تم، بسط و گسترش تمی
۲۴	فرم‌های مرسوم دوره کلاسیک
۲۷	ارکستر و سازها
۳۰	اوایل کلاسیک و سبک رکوکو [Rococo]
۳۴	کارل فلیپ امانوئل باخ (۱۷۸۸-۱۷۱۴)
۳۵	موسیقی‌سازی اوایل کلاسیک
۳۳	سونات کلاسیکی
۳۴	سمفونی اوایل کلاسیک
۵۸	مکتب مانهایم
۶۰	سبک برلین
۶۰	مکتب وین
۶۱	اپرا در اوایل کلاسیک
۶۸	آغاز اصلاحات در اپرا
۷۷	اپرا کمیک (Comic Opera)
۸۰	دوره عظمت کلاسیک
۸۱	«فرانتس جوزف هایدن» (۱۸۰۹-۱۷۳۲)
۸۳	سمفونی‌های هایدن
۹۸	دوره پنجم کمال هنری (سمفونی‌های لندن)
۱۱۴	کوارتت‌های هایدن
۱۲۴	«ولفگانگ آمادئوس موتسارت» (۱۷۵۶ - ۱۷۹۱)
۱۳۱	سمفونی‌های موتسارت
۱۴۹	کنسرتو پیانو
۱۶۰	اپراهای موتسارت

۱۶۴	گروه دوم «اپرا بوفا» (Opera Buffa)
۱۷۱	«لودویک وان بتهون» (۱۷۷۰-۱۸۲۷)
۱۷۶	۱- دوره تقلید (Imitation)
۱۸۱	۲- دوره ابداع (Externalization)
۲۰۶	۳- دوره «بازتاب و تفکر» (Reflection)
۲۱۷	فصل دوم
۲۱۷	موسیقی دوره رمانتیک
۲۱۸	نشانه‌های رمانتیسم
۲۱۹	دوگانگی رمانتیک
۲۲۱	جامعه و فرد
۲۲۲	انسان و طبیعت
۲۲۲	علم و غیر علم
۲۲۳	ملی گرایی و احساسات بین‌المللی
۲۲۳	سنت و انقلاب
۲۲۸	«فرانس پیتر شوپرت»
۲۲۹	لیدهای شوپرت
۲۳۱	لید شاهدیو (Erlkoning - ۱۸۱۵)
۲۴۰	موسیقی پیانویی شوپرت
۲۴۰	موسیقی مجلسی شوپرت (Farellen snintat)
۲۴۱	«هکتور برلیوز و سمفونی فانتاستیک» (۱۸۰۹-۱۸۶۹)
۲۴۳	«سمفونی فانتاستیک» (Symphonie Fantastique)
۲۵۲	«فردریک شوپن» (۱۸۱۰-۱۸۴۹)
۲۵۴	آثار مهم شوپن
۲۵۵	مازورکا (Mazurka)
۲۵۸	والس
۲۵۸	بالاد
۲۵۹	اتود و پرلود
۲۶۱	نکتورن (Nocturne)
۲۶۲	«فلیکس مندلسون بارتولدی» (۱۸۰۹-۱۸۴۷)
۲۶۵	اورتور «رؤیای نیمه شب تابستان»
۲۶۷	کنسرتو ویولن در می - مینور
۲۷۱	آوازه‌های بدون کلام
۲۷۲	«روبرت شومان» (۱۸۱۰-۱۸۵۶)

۲۷۴ «لید» (Lied)
۲۷۸ کارناوال اپوس ۹
۲۷۹ سمفونی شماره ۴ در ر - مینور
۲۸۲ «فرانتس لیست» (۱۸۸۶-۱۸۱۱)
۲۸۵ سونات سی - مینور
۲۸۹ سونته یل پترارکا ۱۰۴
۲۹۲ «یوهانس برامس» (۱۸۹۷-۱۸۳۳)
۲۹۶ موسیقی آوازی
۲۹۷ آثار پیانویی
۲۹۸ موسیقی مجلسی
۳۰۰ سمفونی های برامس
۳۰۶ اپرا در قرن نوزدهم
۳۰۷ «اپرای سنتی فرانسه»
۳۰۸ «ژرژ بنزه و اپرای کارمن» (۱۸۲۷-۱۸۷۵)
۳۱۰ اپرای رمانتیک آلمان
۳۱۱ «ریچارد واگنر» (۱۸۸۳-۱۸۱۳)
۳۱۲ دوره آخر آثار واگنر، «درام موسیقی»
۳۱۴ هارمونی
۳۱۵ فرم
۳۱۵ ترستان و ایزوله
۳۱۹ «اپرای سنتی ایتالیا»
۳۲۰ «جوزیه وردی» (۱۸۱۲-۱۹۰۱)
۳۲۲ اپرای تراویاتا
۳۳۶ دوره سوم آثار وردی
۳۳۷ «موسیقی ملی روسیه در قرن نوزدهم»
۳۴۴ مو دست موسرگسکی (۱۸۳۹-۱۸۸۱)
۳۴۹ «پیترو چایکوفسکی» (۱۸۴۰-۱۸۹۳)
۳۶۸ «آنتوان دورژاک» (۱۸۴۱-۱۹۰۴)
۳۷۱ «لید در اواخر دوره رمانتیک»
۳۷۲ «آهنگسازان نسل ترستان» (۱۸۹۰-۱۹۱۰)
۳۷۲ ریچارد اشتراوس (Richard straus)
۳۸۰ «گوستاو مالر» (۱۸۶۰-۱۹۱۱)
۳۸۹ «پوچینی و مکتب ورسم» (۱۸۵۸-۱۹۲۴)
۳۹۳ فهرست منابع و مأخذ

فصل اول

موسیقی دوره کلاسیک (۱۷۰۰-۱۸۰۰)

واژه کلاسیک و کلاسیسم، معمولاً به یک دوره از موسیقی اطلاق شده است اما اغلب با معانی مختلف، در اصل عنوان سبک یک دوره خاص یا سبک مشخصی از موسیقی نیست. ولی از سوی دیگر، واژه کلاسیک بر پدیده‌ای اطلاق می‌شود که می‌تواند در اکثر دوره‌های مختلف تاریخ موسیقی به کار برود و تکرار شود. مثلاً آوازهای شوپرت در آلمان نسبت به قرن نوزدهم نمونه کلاسیک به شمار می‌آید درحالی‌که شوپرت از نظر تاریخی آهنگساز دوره رمانتیک محسوب می‌شود و افکار و عقایدش نیز رمانتیک است. بنابراین معنی واژه کلاسیک در ارتباط با یک قطعه مشخص یا اصولاً مقوله آهنگسازی می‌تواند کاملاً با معنی آن در رابطه با سبک یک دوره از تاریخ موسیقی متفاوت باشد. با چنین برداشت مشابهی می‌توان گفت که «پالسترینا» (Palestrina) (آهنگساز قرن شانزدهم) قرن‌ها به عنوان نمونه کلاسیک موسیقی کلیسایی مد نظر قرار داشته و آثارش مدل اصیلی برای دیگر آهنگسازان بوده است.

واژه کلاسیک در موارد استعمال کلی آن، هنگامی مفهومی بهتر و مفیدتر خواهد داشت که در ارتباط با نوع به خصوصی از آثار موسیقایی (مانند نمونه‌هایی که از شوپرت و پالسترینا ذکر شد) قرار گیرد. در این مفهوم می‌توان پتهون را استاد کلاسیک در خلق سمفونی، سونات پیانو، کوارتت زهی محسوب کرد. بدون این که هیچ قضاوتی راجع به موقعیتش در تاریخ سبک‌های موسیقی انجام گیرد. فرق میان کلاسیک به عنوان یک راه‌حل قاطع و استوار برای مسئله نقش خلاق در یک اثر هنری یا مقوله آهنگسازی از

یک طرف و به عنوان یک مفهوم در تاریخ سبک‌ها از طرف دیگر، همیشه ستیز و اختلاف دائمی به وجود می‌آورد که آثار آن نیز امروزه وجود دارد. آیا پتهون کلاسیک است یا رمانتیک؟ او نسبت به این‌که چه مفهومی به کلمات داده شوند می‌تواند هر دوی آنها باشد.

تاریخ‌نویسان قرن نوزدهم، کلمه کلاسیک را در آلمان به سبک دوره‌ای که با نسل «کوانتس» (Quaantz) و «هانس» (Hanc) و بعداً پسران باخ و معاصرین آنها شروع شد، اطلاق می‌کنند و در ایتالیا به سبک موسیقی دمینیکو اسکارلاتی (Domenico Scarlatti) و معاصرینش. اواخر این دوره را به‌طور واضح نمی‌توان معین کرد، زیرا جدال بین کلاسیک و رمانتیک تا قرن نوزدهم و حتی قرن بیستم (با جریان نئوکلاسیسم) ادامه داشت. این که چه وقت و پر کجا کلمه کلاسیک وارد فرهنگ موسیقی شد نیز به‌طور کامل روشن نیست. تعریف کلاسیک در ادبیات تا حدی بغرنج و گنگ است ولی این تعریف در موسیقی پیچیده‌تر می‌شود.

شاید یکی از قدم‌هایی که به‌سوی موسیقی کلاسیک برداشته شد آزاد شدن اثر موسیقی از قید و بند تقلیدها، بیان، معرفی، در خدمت بودن حتی سرگرمی‌های اجباری بود و نتیجتاً خود اصل موسیقی مد نظر قرار گرفت. پس برای اولین بار در موسیقی این فکر و ایده ظهور کرد که موسیقی در حقیقت همانند دیگر هنرها «مقصود و هدفی» ندارد، بلکه صرفاً به خاطر خودش وجود دارد - در واقع موسیقی به خاطر خود هنر موسیقی - به عبارت دیگر، در دوره کلاسیک با ایده «هنر به خاطر هنر» برخورد می‌شد که از آن زمان تاکنون همچنان همراه موسیقی جریان دارد.

در کلاسیک هر چیز خارق‌العاده و افراطی کنار گذاشته شد و بیان موسیقایی بیشتر با تأکید بر کمال، تمامیت و اعتبار جهانی با استفاده از عوامل ساده و قابل فهم تثبیت شد. پروفیسور شایب (J. A. Scheibe) از باخ به خاطر تصنعی بودن و پیچیدگی آثارش که زیبایی طبیعی ملودی را مبهم می‌کند انتقاد کرد.

قرن هیجدهم مصادف بود با جریان «رروشنی فکر، تنویر افکار، یا آزادی از بند خرافات» (Enlightenment)، که در آن طغیانی علیه روح و روان و اعتقادات مافوق‌الطبیعه و به نفع اخلاقیات صورت گرفت، طغیانی بود علیه متافیزیک‌ها و به نفع احساسات معمولی و روانشناسی تجربی و عملی، علیه آیین و مراسم تشریفاتی و به نفع طبیعی و ساده بودن، علیه قدرت‌طلبی و به نفع آزادی فردی، علیه امتیازات و حق ویژه و به نفع حقوق مساوی و تعلیم و تربیت همگانی. جریان «تنویر افکار» کاملاً بر

موسیقی کلاسیک • ۹

جنبه های عملی و تجربیات عین تکیه داشت و آزادمنشی، برابری و تکامل از اصول اولیه آن بود. اولین رهبران این جنبش لوک (Locke) و هیوم (Hume) در انگلستان و مونته‌سکیو و ولتر در فرانسه بودند. شکل و نمود اصلی دوره «تنویر افکار و روشنگری» در ابتدا نسبتاً منفی بود، اما چنین خلأیی که بیشتر به وسیله منقدان مخرب به جای مانده بود، به زودی با ایده جدیدی که در آن طبیعت و غرایز طبیعی یا احساسات انسان را منبع حقیقی دانش و اعمال درست می‌پنداشت، پر شد. ژان ژاک روسو یکی از پیشوایان اصلی این شکل جدید از جریان «تنویر افکار و روشنگری» بود که بعد از سال ۱۷۶۰ تأثیر عمیقی بر ادبیات و شاعران فیلسوف آلمانی به جای گذاشت. لذا یذ و خوش‌گذرانی‌های فردی در زندگی درونی، خود یک پدیده اصلی و مشخص این جریان است.

فلاسفه در رهبری و اداره زندگی اجتماعی قرن هیجدهم نقش چندان نداشتند، بلکه سیستم فکری خود جوابگو و در عین حال تأثیرپذیر از شرایط زندگی بود. انتقادات اجتماعی از شرایط زندگی خصوصاً قبل از انقلاب فرانسه، شدت یافت و با شروع انقلاب صنعتی پیشرفت‌ها و کشفیات علمی در زمینه‌های مختلف صورت گرفت. طبقه متوسط مورد توجه قرار گرفت و انسان ساده و طبیعی هسته مرکزی توجه فلسفه و هنر شد. دوره «تنویر افکار و روشنگری» در کل یک جنبش بشر دوستانه و جهان میهنی بود که در آن ایده‌های انسان دوستی به سرعت در سرتاسر اروپا گسترش یافت. از میان بزرگانی که به این جنبش بشر دوستانه (Humanitarian) کمک کردند، می‌توان از پادشاه فردریک کبیر پروس و شاعرانی چون گوته و آهنگسازانی چون موتسارت (در اپرای فلوت سحرآمیز)، بتهون (سمفونی شماره ۹) یا شیلر در (سرود شادی) نام برد. با ظهور طبقه متوسط اجتماع و توجه خاص به آن، قرن هیجدهم قدم‌هایی در راه عمومی کردن هنرها و یادگیری آنها برداشت که در نتیجه فلسفه، علم، ادبیات و هنرهای زیبا عامه مردم را مد نظر قرار دادند نه گروه اندک متخصصان و آگاهان را. داستان‌ها و نوشته‌ها به تدریج شروع به تصویر زندگی روزانه و احساسات معمولی مردم کردند که از طرف عامه مورد استقبال قرار گرفت. این عوامل باعث تغییر در زندگی طبقه متوسط اجتماع شد و آن را به عنوان قطب مهمی در سیاست‌گذاری، اقتصاد و فرهنگ مطرح کرد و افراد این طبقه فرصتی یافتند که در فرهنگ اجتماعی و هنر نقش مهمی داشته باشند. تغییرات اقتصادی در موسیقی نیز تأثیر گذاشت و به همین دلیل کمپانی‌های اپرایی و سالن‌های اپرایی اکثر دربارهای کوچک به دلایل اقتصادی تعطیل شدند ولی

موسیقی‌سازی به خاطر هزینه کم آن تا حدی مورد توجه قرار گرفت. افراد جامعه در تشکل انجمن‌ها و مراکز هنری یکی از حامیان پر قدرت موسیقیدانان شدند و برای آنان کنسرت‌های عمومی که در آنها بلیط فروخته می‌شد ترتیب دادند.

این امر باعث افزایش شنوندگان و دوستداران عمومی موسیقی و همچنین رشد موسیقیدانان آماتور گردید، درحالی‌که قبلاً اشراف حامی موسیقی، موسیقیدانان را همیشه در خدمت خود داشتند و شنیدن موسیقی آنها منحصر بود به درباریان و میهمانان آنها.

در سال ۱۷۲۵ در پاریس یک سری کنسرت‌های عمومی برپا شد. در سال ۱۷۶۳ کنسرت‌های دیگری به وسیله هیلر (A. Hiller) به نام کنسرت گاواند هاوس (Gewandhaus) در لایپزیک ترتیب داده شد که تا سال ۱۸۷۱ دوام یافت در سال ۱۷۵۱ اولین سمفونی در کنسرت اسپیریچوال^۱ (Consert Spiritual) اجرا شد و از آن پس سمفونی به عنوان یک فرم مشخص از موسیقی آلمان تثبیت گردید. کنسرت آماتور، گروسس کنسرت (Groses Konzert) و همچنین تعدادی از کنسرت‌های دیگر که توسط موتسارت و بتهون دروین برپا شد از جمله برنامه‌های اجرایی این قرن بود.

چاپ و انتشار موسیقی به طور وسیعی افزایش یافت و مجله‌هایی درباره موسیقی نیز به چاپ رسید، لذا! موسیقیدان‌های آماتور طبیعتاً موسیقی دلخواه و ساده خود را به راحتی خریداری کردند و می‌توانستند انتقاداتی بر موسیقی را نیز در مجلات مختلف بخوانند که این خود قدم‌های مهمی در راه عمومی کردن موسیقی بود. در لندن، پاریس و بروکسل تعداد زیادی از موسیقی‌سازی آلمان به چاپ رسید و مجموعه‌ای از سمفونی‌ها تحت عنوان لاملودیا جرمانیکا (La Melodia Germanica) به چاپ رسید. در این دوره بود که اولین تاریخ موسیقی و مجموعه مقالات راجع به موسیقی قرون وسطی انتشار یافت.

همانطور که گفته شد یکی از مهم‌ترین خصوصیات موسیقی قرن هیجدهم «جهان‌میهنی» بودن آن و به حداقل رسیدن اختلافات ملی‌گرایی بود. حاکمانی که در یک کشور به دنیا آمده بودند در کشورهای دیگر حکمروایی می‌کردند، مثلاً پادشاهان

۱- کنسرت اسپیریچوال، به کنسرت‌های عمومی که در فرانسه بین سال‌های ۱۷۲۵ تا انقلاب کبیر فرانسه برپا می‌شد، می‌گویند. این کنسرت‌ها عموماً در روزهای عید پاک برگزار می‌شد و آثاری که در آنها اجرا می‌شد بیشتر موسیقی مذهبی بود. این کنسرت‌ها مدلی شدند برای شهرهای دیگری چون لایپزیک، برلین، وین و استکهلم.



هوشنگ کامکار در سال ۱۳۲۵ در شهر سنندج به دنیا آمد، مقدمات موسیقی را نزد پدر خود استاد حسن کامکار فرا گرفت. پس از اخذ مدرک دیپلم رشته طبیعی به تهران آمد و مدت دو سال در هنرستان شبانه عالی موسیقی به تحصیل پرداخت پس از آن به عنوان کارشناس موسیقی در سنندج به تدریس مشغول شد.

او در سال ۱۳۵۱ وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد و لیسانس موسیقی را در رشته آهنگسازی با رتبه اول اتخاذ کرد و بلافاصله با بورس اهدائی از کشور ایتالیا مدت یکسال و نیم در کنسرواتوار سانتاچی چیلیای شهر رم: فنون کنترپوان و فوگ را آموخت. در سال ۱۳۵۷ مدرک فوق لیسانس خود را از دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو آمریکا در رشته تاریخ موسیقی اخذ نمود و پس از انقلاب به ایران بازگشت و چند سالی در دانشگاه‌های فارابی و دانشکده هنرهای زیبای تهران به تدریس موسیقی مشغول شد.

او مدت ده سال در دانشگاه هنر به تدریس موسیقی پرداخت و مدیریت گروه موسیقی این دانشگاه را به مدت ۵ سال تا سال ۱۳۷۸ به عهده داشت.

هوشنگ کامکار از سال ۱۳۶۸ مدیریت گروه موسیقی کامکارها و مدت چند سال مدیریت ارکستر سمفونیک فرهنگسرای بهمن و هم چنین از سال ۱۳۷۶ تاکنون مدیریت هنرستان آزاد موسیقی کامکارها را در تهران به عهده دارد و علاوه بر فعالیت‌های فوق به کار آهنگسازی و ترجمه کتاب‌های موسیقی و نیز شرکت در سمینارهای خارج از کشور مبادرت ورزیده است.

از جمله تألیفات و ترجمه‌های وی: اصول ارکستراسیون اثر ریمسکی کورساکف؛ فوگ و انوانسیون اثر جان وررال؛ کنترپوان مدال اثر دیوید بریدن؛ هارمونی قرن بیستم اثر پرسی کتی؛ کتاب حاضر و نیز ترجمه کتاب ارکستراسیون اثر کنت گنن است. همچنین آثار موسیقائی و منتشر شده او برای ارکستر سمفونیک و سازهای سنتی کردی؛ بهاران آیدر؛ بر تارک سپیده؛ سماع مجلسیان، سماع ضربی‌ها و باله شهرزاد به نام افسانه ۲۰۰۱ شب را می توان نام برد.

شابک: ۷-۳۰-۶۲۱۸-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-6218-30-7